



جایگاه اصل «هویت» در تبیین مفهوم «محلّه اسلامی»**

مرضیه الزهرا نصیرپور^۱ ID، محمد نقی زاده^۲ ID، زهرا سادات سعیده زرآبادی^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Marziehalzaha-Nassirpour@iauhvaz.ac.ir

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Drmnaghizadeh@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Z.zarabadi@srbiau.ac.ir

چکیده

تبیین ویژگی‌های محل سکونت مطلوب برای مسلمانان از مهم‌ترین موضوعات حوزه مطالعات «شهر اسلامی» است. کمبود منابع مکتوب و نیاز به توسعه مبانی نظری در این حوزه، همچنان انجام چنین پژوهش‌هایی را ضروری می‌سازد. این پژوهش از نظر هدف، جزو پژوهش‌های بنیادی است. ابزار مطالعه اسنادی برای بررسی متون و تدقیق محتوای مطالب، و روش تجزیه و تحلیل کیفی با استفاده از استنتاج عقلی، جهت دستیابی به نتایج تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. در بخش چارچوب نظری، پس از بررسی مباحث «هویت»، ارتباط «جهان‌بینی» و «فرهنگ» با هویت و «هویت دینی»، «محلّه اسلامی» به مثابه «مکان» ایجادکننده «هویت اسلامی» و اثرپذیر از آن تعریف می‌گردد. در بخش یافته‌های تحقیق، اصول «محلّه اسلامی» با استفاده از چارچوب مفهوم «مکان» که شامل بخش‌های «فرم، فعالیت و معنی» و ابعاد «کالبدی، عملکردی و ادراکی-شناختی» است، تبیین می‌شود. مینا قرار دادن مفهوم «هویت»، اصول «عبودیت، معنویت‌گرایی، کمال‌گرایی» (سطح معنا)، اصول «حرمت‌گرایی، اصالت‌گرایی، اجتماع‌گرایی، محبت‌محوری، خدمت‌گرایی، همسایه‌گرایی» (سطح عملکرد)، و اصول «زمینه‌گرایی، آبادانی، پاکیزگی و طهارت» (سطح فرم)، و صفات و تجلیات ناشی از آن‌ها را برای «محلّه اسلامی» تعریف می‌نماید. در بخش نتیجه‌گیری، روابط میان مفاهیم زمینه‌ساز شکل‌گیری «محلّه اسلامی»، جایگاه اصل «هویت» و نحوه تأثیرگذاری آن در استنتاج «اصول و صفات محلّه اسلامی» تعریف شده است.

اهداف پژوهش:

۱. تعریف مفهوم «محلّه اسلامی» به مثابه «مکان» ایجادکننده «هویت اسلامی» و اثرپذیر از آن.
۲. تبیین جایگاه اصل «هویت» و نحوه اثرگذاری آن بر تبیین اصول و صفات «محلّه اسلامی».

سؤالات پژوهش:

۱. بر مبنای «جهان‌بینی توحیدی»، اصل «هویت» چگونه قابل تعریف خواهد بود؟
۲. هویت اسلامی چه جایگاهی در تعریف مفهوم «محلّه اسلامی» دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۷۲۹ الی ۷۵۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

شهر اسلامی،
محلّه اسلامی،
هویت،
مکان.

ارجاع به این مقاله

نصیرپور، مرضیه الزهرا، نقی زاده، محمد، زرآبادی، زهرا سادات سعیده. (۱۴۰۲). جایگاه اصل «هویت» در تبیین مفهوم «محلّه اسلامی». مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۱)، ۷۲۹-۷۵۴.



dorl.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/



dx.doi.org/10.22034/IAS
.۲۰۲۳.۳۷۵۳۳۶.۲۱۱۱

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مرضیه الزهرا نصیرپور» با عنوان «تبیین مبانی و صفات محلّه ایرانی-اسلامی» است که به راهنمایی دکتر «محمد نقی‌زاده» و مشاوره دکتر «زهرا سادات سعیده زرآبادی» در سال ۱۴۰۱ در «دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران» ارائه شده است.

مقدمه

توسعهٔ مکتوبات علمی با تکیه بر تعالیم الهی، در سال‌های اخیر، در حوزه دانش «شهرسازی» و «معماری»، مورد توجه قرار گرفته و اندیشمندان در پی شرح و بسط مفهوم «شهر اسلامی» بوده‌اند؛ اما همچنان کمبود مبانی نظری در این حوزه مشهود است. از سوی دیگر، پیدایش مقیاس‌های جدید رشد شهری، هدف سیاست‌گذاری شهری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را «محلّه»، به‌عنوان «کوچک‌ترین» و درعین حال «کامل‌ترین» جزء شهر، قرار داده است. رویکرد کلی این مطالعات آن است که نتیجهٔ حل مشکلات و مسائل اجزاء شهر، حل معضلات فضاهای عمده‌ی شهری خواهد بود. یکی از حوزه‌هایی که در بسط مطالعات شهر اسلامی، نیازمند پژوهش است، تعریف مفهوم «محلّه اسلامی» است. این مفهوم می‌تواند بر پایه اصول چندگانه‌ای بنا شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «اصل هویت» خواهد بود.

این پژوهش از نظر هدف، جزو پژوهش‌های بنیادی است. ابزار مطالعه اسنادی برای بررسی متون و محتوای مطالب بهره‌گیری شده و دستیابی به نتایج تحقیق با استفاده از روش تجزیه و تحلیل کیفی میسر شده است. این پژوهش در پی آن است که با مراجعه به متون و منابع مقدس دینی، رجوع به منابع دست اول و مطالعه منابع شهرسازی مربوطه، تحلیل و استنتاج، برای پرسش‌های فوق، پاسخ مناسبی ارائه نماید. در راستای پاسخ به سؤالات تحقیق، مبحث هویت و ارتباط آن با مکان، با محوریت جهان‌بینی توحیدی مورد بررسی خواهد بود. همچنین از آنجاکه محلّه اسلامی مکانی است که ایجادکنندهٔ هویت و اثرپذیر از آن است، ابعاد مفهوم مکان با بررسی و جمع‌بندی نظرات اندیشمندان این حوزه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سپس با مراجعه به متون دینی (آیات و روایات) و با استفاده از روش تحلیل منطقی مطالب و استنتاج عقلی، اصول «محلّه اسلامی» که مستخرج از مبنای «هویت» هستند، براساس چهارچوب مفهوم مکان، تدوین یافته و صفات و تجلیات ناشی از این اصول، تبیین می‌گردد. درنهایت، روابط منطقی موجود میان مفاهیم مرتبط با موضوع «محلّه اسلامی» و نحوهٔ اثرگذاری مفهوم «هویت» در اصول و تجلیات «محلّه اسلامی»، بررسی و تبیین خواهد شد.

موضوع پژوهش حاضر در ارتباط میان مفاهیم «هویت» و «مکان» قابل تعریف است. در این حوزه، پژوهش‌های متعددی تاکنون به رشتهٔ تحریر درآمده است که آن‌ها را می‌توان در چند گروه تفکیک نمود:

گروه اول (هویت-شهر): مطالعاتی که به موضوع «هویت شهر» پرداخته و بر ارائه تعریفی روشن از «هویت» و آشنایی با کارکردهای آن در شهرسازی سعی داشته‌اند (نقی‌زاده ۱۳۹۳؛ بهزادفر، ۱۳۸۶؛ گیدنز، ۱۳۸۵؛ دانشپور، ۱۳۸۳).

گروه دوم (هویت- مکان- معنی): منابعی که معیارهای کلیدی «هویت مکان» را مورد مطالعه قرار داده و ارتباط میان «معنی» و «هویت مکان» را بررسی کرده است. تبیین رابطهٔ «معنی» و «هویت مکان» و یافتن نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها، تحلیل معیارهای کلیدی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان، ارائهٔ چارچوبی برای بررسی کاربردی «هویت مکان» از نتایج این پژوهش‌ها است (علی‌الحسابی و چرب‌گو، ۱۳۹۴؛ ارباب و همکاران، ۱۳۹۴؛ علی‌الحسابی و همکاران، ۱۳۹۵). گروه سوم (هویت- مکان- کالبد): مطالعاتی که از ارتباط «مکان، فضا و کالبد»، توجه به «مکان» به جای «زمان»، و

«حس مکان» سخن می‌گوید. بررسی هویت کالبدی شهر، مؤلفه‌های شناخت هویت شهر، عوامل احراز هویت حس مکان و تأکید بر نارسایی‌های تلقی زمان محور از «هویت»، از جمله موضوعات این پژوهش‌ها است (نصر، ۱۳۹۵؛ قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰؛ جوادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ تقویان و زمانزاده دربان، ۱۳۹۶). گروه چهارم (هویت-مکان-فرهنگ): پژوهش‌هایی که موضوع آن‌ها بررسی ارتباط هویت مکانی با فرهنگ و سیاست و... است (حافظ نیا و فرجی، ۱۳۹۵). گرچه هرکدام از پژوهش‌های اشاره‌شده در پی آشکار ساختن بخشی از مباحث مرتبط با مفهوم «هویت» بوده است، اما همچنان پژوهش در ابعاد وسیع‌تری در این مقوله ضروری به نظر می‌رسد. به‌علاوه تعداد محدودی از پژوهش‌ها به‌طور مستقیم حول مفهوم «محلّه اسلامی» و نیز «هویت اسلامی» شکل گرفته است. مطالعه حاضر را شاید بتوان در گروه اول قرار داد؛ چراکه اصول مستخرج از اصل «هویت اسلامی» را به‌عنوان یکی از بنیان‌های نظری بر ساخت مفهوم «محلّه اسلامی» معرفی خواهد کرد.

۱. مبانی نظری

در این بخش، مفاهیم «هویت»، «مکان» و «محلّه اسلامی» به‌مثابه «مکان» مورد بررسی و بحث قرار خواهد گرفت.

۱.۱. هویت

کلمه هویت معادل "identity" به معنی «هستی، وجود، ماهیت و سرشت» و ریشه آن از واژه «هو» گرفته‌شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد. در بیانی ساده، هویت فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه فرد یا ملت به پرسش‌هایی از «چیستی‌شناسی و کیستی‌شناسی» خود است. پرسش‌هایی درباره گذشته و آینده، قومیت، نژاد، فرهنگ و تمدن، نقش او در توسعه جهانی، جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی و بالاخره اینکه ارزش‌های ملهم از هویت او تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه کارساز خواهد بود (لطف‌آبادی، ۱۳۹۲).

مذهب، جهان‌بینی، تاریخ، فرهنگ و سایر قلمروهای معنوی، عوامل درونی هستند که در کنار عوامل بیرونی، در شکل‌دادن هویت انسان مؤثرند (نصر، ۱۳۹۵: ۶۹ به نقل از علامه جعفری (ره)). جهان‌بینی، عامل اصلی و ارزش‌گذار، تعریف‌کننده و شکل‌دهنده انواع و مراتب هویت انسان است (نقی‌زاده، ۱۳۹۳). در امتداد اثر جهان‌بینی بر فرهنگ و هویت، مفهوم «هویت دینی» مطرح می‌گردد. «هویت دینی» را می‌توان مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی-اجتماعی دانست که حول یک محور غایی (مفهوم مقدس) سازمان‌یافته است و با اثرگذاری بر کنش‌های اجتماعی، از یک‌سو سبب همبستگی و انسجام درون‌گروهی (درون‌دینی) در میان اعضای گروه (دین‌داران) می‌شود و از سوی دیگر موجب تمایزات برون‌گروهی (برون‌دینی) را با دیگر افراد و دیگر گروه‌ها فراهم می‌آورد (رثوفی: ۱۳۸۹).

۲. ۱. مفهوم «مکان» و ارتباط آن با مفهوم «هویت»



شکل ۱: رابطه عملکردی میان مفاهیم انسان، مکان و هویت

در مورد عوامل سازنده مفهوم «هویت» و اینکه کدامیک در شکل‌گیری این مفهوم مؤثرترند، منابع متعددی وجود دارد؛ آنچه مرتبط با بحث این پژوهش و مورد اتفاق نظر مطالعات پیشین است، معرفی «مکان»، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع ایجادکننده «هویت» است.

مکان بخشی از فضا است که به‌واسطه عناصر و عواملی خاص، صاحب هویتی منحصربه‌فرد و تکرارناپذیر می‌شود (حمزه‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). می‌توان

گفت مکان، همان فضای هویت‌مند است. اندیشمندان، فعالیت، رفتار و تصویر ذهنی انسان را در ایجاد معنی برای فضا و تبدیل آن به مکان مؤثر دانسته‌اند. والمسلی^۱ عقیده دارد کنش و خواست انسانی، معنی را به فضا مترتب می‌سازد و فضای خالی را به یک مکان تجربه‌شده تبدیل می‌کند. مکان نیز می‌تواند بر انسان تأثیر متقابل بگذارد؛ چراکه به‌واسطه معنایش به ارزش‌ها و کنش‌های انسان خط می‌دهد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰؛ ۶۳؛ صادقی و احمدی، ۱۳۹۶).

با نگرشی فرایندی، «مکان» یکی از منابع سازنده «هویت»؛ «هویت» شکل‌دهنده به رفتار و شخصیت انسانی است که در «محیط» زندگی می‌کند؛ و درنهایت «انسان»، سازنده و شکل‌دهنده «محیط» خواهد بود (شکل ۱). در نتیجه، به نسبت مبانی فکری و اعتقادی شکل‌گیری «مکان»، نگرش و رویکرد متفاوتی به استفاده‌کننده از مکان ارائه می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، «هویت» مکان به‌وجود آمده در چنین فرایندی، بسته به نوع جهان‌بینی طراح و استفاده‌کننده آن، بسیار متفاوت است.

برای یافتن پاسخ پرسش اصلی تحقیق، بررسی ابعاد مفهوم «مکان» از دیدگاه صاحب‌نظران، مفید خواهد بود:

۱. Walmsley

از دیدگاه پدیدارشناختی، فضا پدیده‌ای عینی است و چنانچه برای انسان معنای خاصی تداعی کند، به رده ذهنیت ارتقا یافته، مبدل به «مکان» می‌شود: محل تلاقی «فرم، عملکرد و معنا»ی «فضا» (جوادی و همکاران، ۱۳۹۴). شولتز، تبدیل جایی به مکان را خاصیت معماری می‌داند و آن را به فعل درآوردن محتوای بالقوه محیط تعریف می‌کند (حمزه‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹).

بدین ترتیب مشخصه مکان، خاص تر بودن آن نسبت به فضا، درهم تنیدگی آن با ارزش‌های انسانی، حضور انسان و واجد معنا کردن یک فضا در ذهن ناظر است که می‌توان آن را به صورت «مکان = فضا + معنا» نیز بیان نمود.

مدل‌ها و تعاریف متنوعی برای مفهوم مکان ارائه شده است که وجوه مشترکی نیز میان آن‌ها وجود دارد: طبق مدل کانتز مفهوم مکان از «فرم، فعالیت و معنا» تشکیل شده است و دارای سه بعد «کالبدی، عملکردی و ادراکی-شناختی» است.

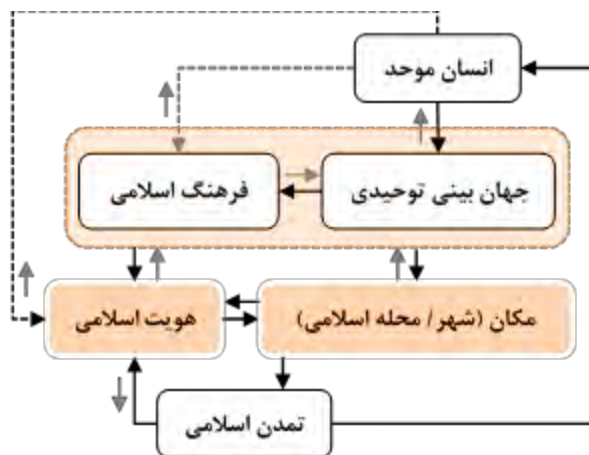


شکل ۲: ابعاد مشترک شکل‌دهنده مفهوم مکان در دیدگاه صاحب‌نظران

رلف، مکان را متشکل از «محیط طبیعی و مصنوع» در کنار «اعمال انسانی و معانی» می‌داند که تجربه آن می‌تواند در مقیاس‌های مختلف روی دهد. کرمونا در مدل پیشنهادی خود مکان را برآیند سه عامل «فرم، فعالیت و تصور فردی (تصویر ذهنی)» می‌داند که در رابطه تعاملی منجر به شکل‌گیری مکان می‌شوند. کرسول مکان را ترکیبی از «ماده، معنی و عمل» می‌داند. شولتز نیز مکان را فضای احساس و ادراک شده و با خاطره عجین شده تلقی می‌کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست‌وجو می‌نماید. برای او مکان همان فضای زنده است (علی‌الحسابی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صادقی و احمدی، ۱۳۹۶؛ جوادی و همکاران، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد می‌توان مشترکات مدل‌های مختلف ارائه شده توسط صاحب‌نظران را در (شکل ۲) خلاصه کرد که در واقع مترادف مدل کانتز برای مفهوم مکان است.^۲

۲. Canter, Relph, Carmona, Creswell, Schultz.

۳. ۱. «محلّه اسلامی» به مثابه «مکان»، ایجادکننده «هویت» و اثرپذیر از آن



در ادبیات شهرسازی، ظرف فضایی و مکانی شکل‌گیری «هویت» نشأت گرفته از جهان‌بینی، «شهر» است؛ «شهر» دارای سه مؤلفه «فرم، عملکرد و معنا» است و «محلّه» نیز جلوه و مفهومی از «مکان» است (حبیبی، ۱۳۸۲؛ جوادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۶).

بنابر جمله فوق و بر مبنای آنچه در تعریف ابعاد مکان ذکر گردید، «شهر» و «محلّه اسلامی»، «مکانی» است

که درهم تنیدگی آن با ارزش‌های انسانی و ورود از شکل ۳: مفاهیم شکل‌دهنده «هویت اسلامی» و «محلّه اسلامی» فضای عینیت به فضای ذهنیت و از عالم ماده به عالم معنا، وجه مشخصه آن است.

«جهان‌بینی توحیدی» و «فرهنگ اسلامی» در کنار هویت اسلامی، شکل‌دهنده «مکان» در ادبیات «شهر اسلامی» خواهند بود، این مکان «شهر» یا «محلّه اسلامی» را تعریف می‌نماید و درنهایت، «تمدن اسلامی» که حاصل شکل‌گیری شهر اسلامی و دارای هویت اسلامی است قابل حصول خواهد بود. «تمدن اسلامی» در بازخورد خویش، «هویت اسلامی» را ارتقا خواهد داد و موجب فراهم‌شدن بستر و زمینه زندگی مناسب انسان موحد خواهد شد. در (شکل ۳) ارتباط میان مفاهیم فوق‌الذکر به نمایش درآمده است.

۲. تجزیه تحلیل و یافته‌های تحقیق: اصول و صفات (تجلیات) محلّه اسلامی

محلّه اسلامی به مثابه مکان، می‌تواند دارای همان ابعادی باشد که برای مفهوم مکان قابل‌تصور است. اما اصولی که محلّه اسلامی را بنیان می‌نهند، اصولی هستند که از جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی به‌دست خواهند آمد.

بدین‌جهت، با مطالعه متون دینی (آیات و روایات) و متون مبتنی بر آنها (نظرات اندیشمندان مسلمان و...)، مواردی که می‌تواند مرتبط با بحث هویت محل سکونت انسان مسلمان در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و... باشد انتخاب خواهد شد. بر مبنای ابعادی که برای مفهوم مکان در (شکل ۲) ارائه گردید، اصول محلّه اسلامی در سه بخش «فرم، فعالیت و معنی» و سه بُعد «کالبدی، عملکردی و ادراکی-شناختی» دسته‌بندی و ارائه خواهد شد.

مبنا قراردادن مفهوم «هویت»، «محلّه اسلامی» را به اصول «عبودیت، معنویت‌گرایی، کمال‌گرایی، حرمت‌گرایی، اصالت‌گرایی، اجتماع‌گرایی، محبت‌محوری، خدمت‌گرایی، همسایه‌گرایی، زمینه‌گرایی، آبادانی، پاکیزگی و طهارت» راهنمایی می‌نماید (جدول ۱). برای انتخاب هرکدام از این مفاهیم، مستندات متعددی وجود دارد که به دلیل اختصار مطلب، به بعضی از این منابع اشاره خواهد شد.

جدول ۱: صفات و تجلیات محله «هویت‌مند»

ردیف	سطح	اصول «محله اسلامی» بر مبنای «هویت»	صفات و تجلیات محله «هویت‌مند»	
هویت	معنا	۱ عبودیت	۱. رویکرد و اهداف مشخص حرکت آینده محله	
		۲ معنویت‌گرایی	۲. استفاده از هنرهای مفهومی و انتزاعی ۳. وجود مرکز یا مراکز مشخص	
		۳ کمال‌گرایی	۴. حرکت در مسیر رفع نقایص (کالبدی و غیر کالبدی)	
	عملکرد	۴ حرمت‌گرایی	۵. تعریف‌شدگی فضا، زمان، مکان و ... ۶. وجود سلسله‌مراتب معین	
		۵ اصالت‌گرایی	۷. خلاقیت در طراحی و تنظیم کالبد محله ۸. تأکید بر تقویت و محوریت خانواده	
		۶ اجتماع‌گرایی	۹. ایجاد نظام اجتماعی هم‌بسته در محله برای تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت محله ۱۰. اجتماعات محلی و برگزاری آیین‌های مذهبی-فرهنگی	
		۷ محبت‌محوری	۱۱. تقویت روابط دوستانه و برادرانه بر اساس تعالیم دینی	
		۸ خدمت‌گزاری	۱۲. تقویت روحیه خدمت به هم‌نوع و محبت به دیگران	
		۹ همسایه‌گرایی	۱۳. روابط همسایگی محکم	
	فرم	۱۰ زمینه‌گرایی	۱۴. طراحی با توجه به زمینه اقلیمی، کالبدی و .. ۱۵. نمود عینی کاربری‌های خاص	
		۱۱ آبادانی	۱۶. زیبایی و کیفیت مناسب محیط	۱۶. زیبایی و کیفیت مناسب محیط
			۱۷. تعادل بین محیط طبیعی و مصنوع	۱۷. تعادل بین محیط طبیعی و مصنوع
۱۸. وجود فضاهای گذران اوقات فراغت و مراکز فرهنگی مناسب (مسجد و کتابخانه)			۱۸. وجود فضاهای گذران اوقات فراغت و مراکز فرهنگی مناسب (مسجد و کتابخانه)	
۱۲ پاکیزگی و طهارت (ظاهری و باطنی)		۱۹. توجه به پاکیزگی و طهارت ظاهری و باطنی (کالبد و رفتار)	۱۹. توجه به پاکیزگی و طهارت ظاهری و باطنی (کالبد و رفتار)	
		۲۰. بهسازی فضاهای مسئله‌دار (انواع مسئله‌ها...)	۲۰. بهسازی فضاهای مسئله‌دار (انواع مسئله‌ها...)	

۲.۱ «معنای» محله اسلامی

باینکه دسته‌بندی فرم، عملکرد و معنی، از سطح فرم شروع شده و به معنا می‌رسد، اما می‌توان گفت در محله اسلامی، مسیر این حرکت معکوس است. بدین‌نحو که معنا، مؤثر بر فرم و عملکرد مکان است. جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی در پی آن است که زندگی مادی انسان را به عالم ملکوت متصل و توجه به عالم معنا را در جزئی‌ترین شئون زندگی عالم

ملک به انسان هدیه نماید. اصول «عبودیت»، «معنویت‌گرایی» و «کمال‌گرایی»، می‌توانند در بخش معنی و بُعد ادراکی-شناختی برای محلّه اسلامی قابل‌تصور باشند.

۲.۲. اصل «عبودیت»

یک جامعه اسلامی (با هر مقیاسی) قبل از تشکیل، دارای ضروریات و ملزوماتی است. اما زمانی که این جامعه تشکیل گردید، مهم‌ترین مسئولیت آن این است که انسان‌ها در سایه‌سار آن، به کمال معنوی و الهی برسند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي»^۳. خداوند تعالی در قرآن کریم به عبادت خدای یکتا و اجتناب از پرستش طاغوت امر می‌فرماید و عاقبت عبودیت را هدایت و بنده طاغوت را شایسته ضلالت و گمراهی می‌داند^۴. همچنین بیان پیامبر خدا حکایت از اهمیت جایگاه این مفهوم در زندگی انسان دارد: «ریشه دین، پارسایی است و رأس آن، طاعت»^۵.

«عبودیت» مهم‌ترین هدف جهان‌بینی توحیدی است که می‌تواند شکل‌دهنده هویت مکان زندگی انسان مؤمن موحد باشد و به‌عنوان والاترین اصل از اصول «محلّه اسلامی» مورد توجه قرار گیرد. این اصل می‌تواند به صفاتی مانند «وجود رویکرد و اهداف مشخص برای حرکت آینده محلّه» رهنمون گردد. در بیان ادبیات شهرسازی، این مقوله می‌تواند به‌عنوان وجود چشم‌انداز و اهداف کلان و عملیاتی نمود یابد. اما نکته مهم این است که در تنظیم و ترسیم این اهداف، اصل مهم «عبودیت» برای محلّه اسلامی به‌عنوان جهت‌دهنده قطب‌نما در نظر گرفته شود و تمام اهداف و برنامه‌ها براساس آن تنظیم گردد. درباره مصادیق این موضوع در بخش‌های بعد نیز مطالبی اضافه خواهد شد.

۲.۳. اصل «معنویت‌گرایی»

نتیجه اصل «عبودیت» در زندگی انسان موحد، «معنویت‌گرایی» است. در بیان معصوم، در مناجات شعبانیه نقطه اوج زندگی انسان مؤمن، اتصال به سرچشمه عظمت الهی بیان شده است: «خدایا کمال جدایی از مخلوقات را، برای رسیدن کامل به خودت به من ارزانی کن، ... تا دیدگان دل پرده‌های نور را دریده و به سرچشمه عظمت دست یابد، و جان‌هایمان آویخته به شکوه قدست گردد...»^۶.

این «انسان جویای تعالی»، شکل‌دهنده مکان خواهد بود و «محلّه»، تبلور عینی تفکر اوست. کالبد محلّه، تصویری واقعی است از آنچه در ذهن و اراده مدیران شهری، متخصصین و شهروندان می‌گذرد. این امر می‌تواند هدف‌گذاری، جهت‌گیری و انتخاب رویکرد تعاملی چند سویه میان استفاده‌کنندگان از فضاها^۷ را در برگیرد.

۳. من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (ذاریات: ۵۶).

۴. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶).

۵. «قال رسول الله ﷺ: أصل الدين الورع، و رأسه الطاعة» (مکارم الأخلاق: ۲/۳۷۶/۲۶۶۱).

۶. «...إلهي هب لي كمال الانقطاع إليك و أنر أبصار قلوبنا بضيائه نظرها إليك حتى تحرق أبصار القلوب حجب النور فتصل إلى معدن العظمه و تصير أرواحنا معلقه بعز قدسك...» (الإقبال بالأعمال الحسنة، سيد بن طاووس، ج ۳، ۲۹۵؛ ۱۵۶).

۷. تعاملات و روابط میان انسان‌ها، انسان با طبیعت (اعم از گیاهان و جانوران)، انسان با محیط مصنوع، و برعکس.

همچنین متون دینی درباره تأثیر جهان بینی انسان شکل دهنده مکان، بر نورانیت مکان، سخن به میان آورده است. خداوند تبارک و تعالی در آیه معروف «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» ذات اقدس خود را توصیف به نور نموده و می فرماید: «آن نور در خانه‌هایی است که، خدا رخصت داد ارجمندش دارند و نامش در آنجا یاد شود و او را هر بامداد و شبانگاه تسبیح گویند»^۸؛ و پیامبر اعظم فرمود: «هرگاه در خانه بسیار تلاوت قرآن شد... آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد؛ چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین می درخشند»^۹.

اصل «معنویت‌گرایی» صفاتی همچون «استفاده از هنرهای مفهومی و انتزاعی» و «وجود مرکز یا مراکز مشخص» در «محلّه اسلامی» را به دست خواهد داد: نمود اصل «معنویت‌گرایی» در محلّه زمانی قابل تعریف خواهد بود که افراد استفاده‌کننده از این مکان، یکی از رویکردهای اصلی محلّه را «اهمیت دادن به معنویت» تلقی نمایند. یکی از صفاتی که می‌تواند این تلقی را به مخاطب منتقل کند، آن است که از هنرهای مفهومی در راستای جهت‌دهی به اذهان مخاطبین استفاده گردد. «استفاده از هنرهای مفهومی» می‌تواند در ترکیب کلی احجام بناها در بخش‌های مختلف محلّه، یا ترکیب‌های حجمی تک بناها که در قالب چارچوب یا الگوی طراحی شهری برای محلّه در نظر گرفته می‌شود، با رویکرد توجه دادن افراد به موضوع «معنویت»، ایفای نقش نماید. همچنین موضوع و نحوه طراحی المان‌ها و عناصر شهری که در مکان‌های مناسب (دارای مرکزیت بصری و عملکردی) قرار می‌گیرند، بخشی از مواردی هستند که به ارائه این اصل کمک می‌نماید.

صفت دیگری که می‌توان ذیل اصل معنویت‌گرایی عنوان نمود «وجود مرکز یا مراکز مشخصی» است که به درستی عمل نمایند. «درست عمل کردن» می‌تواند به معنی صحت مکان‌یابی، قوت طراحی، امکان توسعه نقش و خدمات‌دهی به کل محلّه و درعین حال متبادر نمودن اصل معنویت به اذهان مخاطبین به‌عنوان استفاده‌کنندگان از مکان باشد. این موضوع نه فقط کاربری‌های فرهنگی و مذهبی، بلکه تمام کاربری‌هایی که می‌توانند به‌عنوان مرکز محلّه عمل کنند را دربر می‌گیرد؛ چراکه به‌عنوان مثال کاربری تجاری هم در صورتی که نتواند شرایط فوق را به‌منصه ظهور رساند نمی‌تواند در ارائه اصل معنویت‌گرایی موفق عمل نماید.

۲.۴ اصل «کمال‌گرایی»

مبحث «کمال» در ادبیات دینی در دو بخش مطرح می‌شود: اول، مباحثی که درباره کمال انسان سخن می‌گوید و دوم، مطالبی که به کمال همه موجودات اشاره دارد. ذیل بخش اول، کامل‌ترین دیدگاه در مورد انسان در دین اسلام آمده است. در آموزه‌های دینی، مفهوم کمال انسان یکی از مهم‌ترین مفاهیم مطرح‌شده بوده و حرکت در مسیر کمال،

۸. «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور: ۳۶-۳۵).

۹. «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَضِيءُ نَجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا» (کلینی، ۱۳۶۹).

معنا و هدف زندگی انسان معرفی شده است. حق تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید: «بندۀ من! همه اشیاء را به خاطر تو آفریدم و تو را به خاطر خودم»^{۱۰}.

اصطلاح «الانسان الکامل» را نخستین بار ابن عربی^{۱۱} وضع کرد: «...او «انسان حادث ازلی و ظهور دائم ابدی» و کلمه جداکننده جامع است، پس عالم به وجودش کامل شد، ... خداوند هم او را در حفظ عالم خلیفه قرارداد، از این روی عالم پیوسته محفوظ است، مادام که انسان کامل در آن است» (ابن عربی، ۱۳۸۷: ۹-۱۱). عزیزالدین نسفی^{۱۲} می‌نویسد: «...انسان کامل آن است که در شریعت و طریقت و حقیقت تمام باشد»^{۱۳} (نسفی، ۱۳۷۲: ۳-۵). امام خمینی نیز، با تکیه بر متون قدسی، انسان کامل را هستی جامع و آیینۀ تمام نمای اسماء و صفات خداوندی دانسته، او را کتاب الهی شمرده که جامع همه کتاب‌های خداوندی است و شناخت او را معادل شناخت خداوند متعال می‌داند (خمینی، ۱۳۹۱: ۵۶).

بخش دوم مطالبی که درباره «کمال» در منابع دینی وجود دارد، شامل مواردی است که در آن‌ها کمال به عنوان هدفی برای همه موجودات تلقی گردیده است: یکی از اصولی که در فلسفه اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد «اصل حرکت جوهری» است. این مفهوم از معنای آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^{۱۴} استفاده می‌گردد که کلیه موجودات به سمت پروردگار متعال (کمال مطلق) در حرکت هستند. اصل حرکت جوهری از حرکت تکاملی آهسته و پیوسته تمام موجودات از عالم ماده به عالم معنا و تجرّد سخن می‌گوید. «ماده در حرکت جوهری خود کمالات را یکی پس از دیگری دریافت می‌کند، و کمالی روی کمال دیگر می‌آید، نه آن که کمالی را از دست بدهد و کمال دیگری را جایگزین آن کند. این حرکت تکاملی همچنان ادامه می‌یابد تا آن که جوهر مادی تمام کمالاتی را که می‌تواند کسب کند، بالفعل واجد شود، و در اینجاست که فاقد هرگونه قوه‌ای می‌شود و در نتیجه، از ماده که محل قوا و استعدادهاست، مجرد خواهد شد» (شیروانی، ۱۳۹۰: ۴۲۲).

«اصل کمال‌گرایی» در معنای «محلّه اسلامی»، به صفاتی از جمله «حرکت در مسیر رفع نقایص کالبدی و غیر کالبدی» منجر خواهد شد: «کمال» جزء لاینفک زندگی همه موجودات عالم است، بنابراین اگر پدیده‌ای از این قانون سر باز زند چون برخلاف نظم موجود در عالم عمل می‌کند، حرکت او نه تنها از منظر تمامی اجزای عالم ناپسند است، بلکه به طور سامان‌مند ناموفق نیز خواهد بود. محلّه نیز از این قانون مستثنا نیست و به عنوان مکان زندگی انسان مؤمن باید تسلیم این قانون شود تا مکانی موفق و مطلوب باشد. یکی از راه‌هایی که محلّه را به معنای کمال‌گرایی خواهد رساند، «حرکت

۱۰. «عَبْدِي! خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ وَخَلَقْتُكَ لِأَجْلِي» (الحرّ العاملي، ۱۴۰۲هـ/۱۹۸۲م، ۲۸۴).

۱۱. عارف قرن هفتم هجری و موسس «عرفان نظری» که به «ولی کامل» معروف گردید (شیروانی، ۱۳۹۰؛ متفکر، ۱۳۸۷).

۱۲. شیخ عبدالعزیز بن محمد نسفی (نخشبی) از عارفان بزرگ قرن هفتم هجری، متوفی ۶۱۶ هجری، در شهر ابرقو.

۱۳. به قول شیخ محمود شبستری در گلشن راز: «شریعت پوست، مغز آمد حقیقت میان این و آن باشد طریقت»

۱۴. «ما مملوک خداییم و یقیناً به سوی او بازمی‌گردیم» (بقره: ۱۵۶).

محله در مسیر رفع نقایص» است. می‌توان این موضوع را به دو بخش کالبدی و غیرکالبدی تقسیم کرد: در بخش کالبدی، نقایص مشهودند و لازم است توسط مدیران شهر و یا شهروندان پیگیری و برطرف شوند.

بخش غیرکالبدی ممکن است شامل عناوین مختلفی باشد و لازم است باتوجه به موضوع برای رفع مشکلات و نقایص برنامه‌ریزی نمود. مثلاً ممکن است عواملی مانند بو، صدا، یا عناصر و اجزایی که تصویر نامناسبی در ذهن مخاطب ایجاد می‌نمایند و... به‌عنوان عوامل مخل آرامش وجود داشته باشند که لازم است در مورد آن‌ها تصمیمات مناسبی اتخاذ شود. همچنین ممکن است شرایطی در محله وجود داشته باشد که خوب هستند اما بهتر از آن هم ممکن است؛ در این موارد نیز تبدیل خوب به خوب‌تر می‌تواند مصداق کمال‌گرایی و حرکت در مسیر رفع نقص تلقی گردد. به‌عنوان مثال یک مسیر پیاده‌روی که در تراز مشخصی ساخته شده مسیر مناسبی برای استفاده شهروندان است اما اگر این مسیر با حاشیه سبز و استفاده از گل‌ها و گیاهان در کناره راه تلفیق شود تجربه خوشایندتری در اختیار مخاطب قرار خواهد داد.

۳. «عملکرد» محله اسلامی

بخش دوم ساختار مفهوم «مکان»، به «عملکرد» اختصاص دارد. عملکرد مکان اجازه بروز برخی رفتارها و فعالیت‌ها را به استفاده‌کننده از مکان می‌دهد و برخی فعالیت‌ها و رفتارها را محدود می‌کند. بنابراین همه اتفاقاتی که در یک مکان فرصت بروز و ظهور پیدا می‌کنند به «عملکرد» مکان مربوط می‌شوند. اصولی مانند «حرمت‌گرایی»، «اصالت‌گرایی»، «اجتماع‌گرایی»، «محبت‌محوری»، «خدمت‌گرایی» و «همسایه‌گرایی» را می‌توان زیرمجموعه مبحث «عملکرد» محله اسلامی به‌مثابه مکان دانست.

۳.۱ اصل «حرمت‌گرایی»

واژه احترام و حرمت، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات دینی اسلامی دارد. احترام به پدر، مادر و سالخورده‌گان هم‌تراز احترام به خداوند و رضایت خداوند معرفی شده است: «... هیچ عبادتی زودتر از رعایت حرمت پدر و مادر مسلمان به خاطر خدا، انسان را به رضایت خدا نمی‌رساند»^{۱۵}؛ و «احترام نهادن به مسلمان سالخورده، احترام به خداوند است»^{۱۶}؛ و یا احترام به مؤمن از شروط شیعه بودن تلقی شده است: «شیعه ما کسی است که ... اگر مؤمنی را ببند احترام کند و اگر به جاهلی برخورد از او دوری کند»^{۱۷}.

۱۵. قال الصادق «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ حُسْنِ مَعْرِفَةِ الْعَبْدِ بِاللَّهِ إِذْ لَا عِبَادَةَ أَسْرَعُ بُلُوغًا بِصَاحِبِهَا إِلَى رِضَى اللَّهِ مِنْ حُرْمَةِ الْوَالِدَيْنِ الْمُسْلِمِينَ لِوَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ۷۷).

۱۶. رسول الله: مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ (الكافی: ۱/۱۶۵/۲).

۱۷. «...عَنْ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أ يَا مِهْزَمُ شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَعْدُو صَوْتَهُ سَمِعَهُ وَ لَا شَحْنَأُوهُ بَدَنَهُ وَ لَا يَمْتَدِحُ بِنَا مُعْلِنًا وَ لَا يُجَالِسُ لَنَا غَائِبًا وَ لَا يُخَاصِمُ لَنَا قَائِلًا إِنْ لَقِيَ مُؤْمِنًا أكرمَهُ وَ إِنْ لَقِيَ جَاهِلًا هَجَرَهُ» (الكافی: ۳/ ۲۷/۳۳۵).

امام سجاد (ع) در رساله حقوق به حفظ حرمت اعضای بدن اشاره کرده‌اند: «...حق پا آن است که با آن راه ناروا نپویی و آن را به راهی که پویندگانش خوار و بی‌مقدارند مرکب خود نسازی. پا جابه‌جاکننده توست و تو را به راه دین و پیشرفت می‌برد». بر مبنای این منابع، اصل «حرمت‌گرایی» در جزء و کل زندگی انسان مؤمن نقش مهم و مؤثری ایفا می‌کند؛ چراکه مسیری برای رسیدن وی به اهداف متعالی خویش خواهد بود. این اصل می‌تواند عملکردی مهم برای مکان زندگی وی که همان «محلّه اسلامی» است تلقی گردد. توجه به این اصل، به صفاتی همچون «تعریف‌شدگی فضا، زمان و مکان» و «وجود سلسله‌مراتب معین در محلّه» منجر خواهد شد:

موضوع مکان و بی‌مکانی، و عدم وجود حس مکان در فضاهای شهرهای مدرن یکی از موضوعات مدنظر ادبیات شهرسازی و معماری در سال‌های اخیر بوده است. بر مبنای اصل حرمت‌گرایی تمام «اجزاء عالم هستی» از دیدگاه جهان‌بینی توحیدی دارای حرمت هستند و لازم است برای حفظ احترام آن‌ها تمهیدات لازم در محلّه اسلامی اندیشه گردد. حفظ احترام همه «گروه‌های اجتماعی» از جمله سالمندان و کودکان و بانوان و...، توجه و حفظ حرمت «عناصر و اجزاء طبیعی و مصنوع موجود در محلّه» یا اهمیت دادن به آنچه لازم است ایجاد گردد، از جمله مواردی است که ذیل مبحث «تعریف فضا، زمان و مکان» قابل‌ارائه خواهد بود. همچنین توجه به حرمت «وقت انسان‌ها» نکته‌ای است که رعایت آن در محلّه اسلامی بسیار حائز اهمیت و مفید خواهد بود.

مقوله «توجه به سلسله‌مراتب» نیز برگرفته از اصل «حرمت‌گرایی» است. هرگاه چند عنصر در کنار هم قرار گیرند و در عین نظم، رابطه بین عناصر هم ارزش نباشد، سلسله‌مراتب ارتباطی سامانمند را بین اجزای نظام‌یافته بنیان می‌نهد و تشکیل‌دهنده یک کل خواهد بود (خاکسار و همکاران: ۱۳۹۹). مفاهیمی مانند امنیت، تعریف فضایی، تنظیم میزان نفوذپذیری و دسترسی به فضاهای شهری مختلف و تعریف روابط همسایگی-اجتماعی را می‌توان از جمله آثار رعایت سلسله‌مراتب دانست. در طراحی کالبد و محلات شهرهای قدیمی ایران، این مفهوم تا حدود زیادی رعایت می‌شده است. امروزه تا حدودی مفهوم سلسله‌مراتب در طراحی‌ها لحاظ می‌گردد اما در اغلب موارد تبلور عینی آن در صورت کالبدی محلّه و شهر مشاهده نمی‌شود یا حداقل در آنچه شهروندان از فضاها درک می‌کنند قابل‌ادراک نیست.

۳۲. اصل «اصالت‌گرایی»

مفهوم «اصالت‌گرایی» به معنای توجه به اصل و ریشه هر چیز است. اصل و ریشه در روایات مختلفی موجب بروز عملکردهای خاص در آینده معرفی شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «گمان انسان، ترازوی خرد اوست و کردارش، راست‌گوترین گواه بر اصالت او»^{۱۸}. امام زین‌العابدین (ع) فرمود: «اما حقّ پدرت این است که بدانی اصل و ریشه تو اوست؛ ... پس هر خصلت خوشایندی که در خود دیدی بدان که ریشه آن نعمت در وجود تو، پدرت است»^{۱۹}.

۱۸. «ظَنَّ الْإِنْسَانَ مِيزَانُ عَقْلِهِ، وَ فِعْلُهُ أَصْدَقُ شَاهِدٍ عَلَى أَصْلِهِ» (غرر الحکم: ۶۰۳۹).

۱۹. الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ A: «أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلَكَ وَ أَنَّهُ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ، فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النَّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ، فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (بحار الأنوار: ۱/۶/۷۴).

این بحث را می‌توان به ادبیات شهرسازی نیز تعمیم داد، بدین نحو که هر طرح، ایده، نظر و تصمیم‌گیری در فضای شهری به اصل و ریشه‌ای بازمی‌گردد. به بیان دیگر هر پدیده‌ای که در فضای شهری وجود دارد (کالبد، فعالیت و رفتار)، از ریشه یا زمینه فکری نشأت می‌گیرد و فلسفه‌ای آن را شکل می‌دهد که بسیار اهمیت دارد. بدین ترتیب تقلید صرف از آنچه در فضاهای شهری کشورهای غربی دیده می‌شود و تلقی آن‌ها به عنوان فضاهای موفق شهری صحیح نخواهد بود. به دلیل اینکه در پس هر کدام از این فضاهای شکل‌گرفته و فعالیت‌هایی که در آن‌ها صورت می‌گیرد فلسفه و مبانی نظری است که در بعضی موارد کاملاً با مبانی دینی توحیدی تباین و اختلاف دارد. بالعکس لازم است که اصول جهان‌بینی توحیدی در فضاهای شهر و محله اسلامی تبلور کالبدی به خود گیرد که این امر منوط به استخراج این مبانی نظری از متون مربوطه و ارائه آن‌ها با ادبیات شهرسازی خواهد بود. توجه به این اصل در «عملکرد محله اسلامی» صفاتی همچون «خلاقیت در طراحی و تنظیم کالبد محله» و «تأکید بر تقویت و محوریت خانواده» را به دست خواهد داد: مهم است که در طراحی محله و طرح‌های بهسازی و ساماندهی و ایجاد عناصر و المان‌های جدید در محله، «خلاقیت و اصالت» مورد توجه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی که در زمینه هویت مطرح می‌شود منحصر به فرد بودن است. منحصر به فرد بودن باعث می‌شود که اهالی محله نسبت به محل سکونت خود حس تعلق داشته باشند و محله با ایجاد حس مکان قوی با ساکنین خود ارتباط خوبی برقرار نماید.

این منحصر به فرد بودن لازم است که به‌طور مستقیم برآمده از جهان‌بینی توحیدی و فرهنگ اسلامی باشد. یکی از دلایلی که بسیاری از آنچه در شهرهای کنونی اجرا می‌شود (لااقل از دید متخصصان شهرسازی و معماری) قابل قبول و دلپذیر نیست، آن است که طرح‌های آن‌ها برداشتی ناقص از طرح‌های اجرا شده در کشورهای دیگر است. منحصر به فرد بودن و خلاقیت در طراحی ایجاب می‌کند که طرح‌ها و ایده‌هایی که بناست در محله و شهر اسلامی به کار گرفته شود، به‌طور مستقیم با مؤلفه‌های فرهنگی و سرزمینی در ارتباط باشد تا بتواند با شهروندان ارتباط خوبی برقرار کند و نتایج مثبتی که از محله اسلامی انتظار می‌رود به دست دهد. مفهوم اصالت‌گرایی علاوه بر موارد فوق می‌تواند به «تأکید بر تقویت خانواده» در سازمان و ساختار اجتماعی جامعه مسلمان نیز منجر شود. خانواده به عنوان اولین و کوچک‌ترین هسته اجتماعی در نظام زندگی انسان مسلمان شناخته شده و بنابراین برای شکل‌گیری و تقویت آن باید تلاش و برنامه‌ریزی خاص صورت پذیرد. خانواده برای شکل‌گیری و ادامه حیات خود به برنامه‌ریزی متناسب و همچنین فضای کالبدی مناسب نیازمند است. فضاهای مناسب برای زندگی که شامل نوع طراحی خانه‌های مسکونی و همچنین محلات با در نظر گرفتن فضاهای مناسب خدمات عمومی، آموزشی، فرهنگی و تفریحی برای اعضای خانواده‌ها با سنین و شرایط مختلف خواهد بود.

۳.۳. اصل «اجتماع‌گرایی»

در آموزه‌های دین اسلام بر اهمیت اجتماع تأکید فراوان شده و نکات راهنمای بسیاری از جزء تا کل این روابط مطرح گردیده است. جامعه آرمانی که اسلام به ترسیم آن پرداخته دارای ویژگی‌هایی است که بعضی از آن‌ها هنوز هم در

جوامع کنونی جزء آمال و آرزوهای انسان‌ها به‌شمار می‌رود. یکی از روایات متعدد در این زمینه حدیثی است که در آن رسول خدا در پاسخ پرسش امام علی (ع)، بیست خصلت را به‌عنوان نشانه‌های مؤمن معرفی می‌نماید.^{۲۰} بیش از نیمی از این صفات به نقش زندگی اجتماعی در تبیین صفت مؤمن برای انسان مربوط می‌شود. در روایت دیگری امام صادق (ع) همراهی با جماعت مسلمین را یکی از سه خصلت اساسی مسلمانان برمی‌شمارد.^{۲۱}

اهمیت نماز جماعت و جمعه، کمک و مساعدت و تعاون و مشاوره، رسیدگی به نیازمندان و توجه به حال همسایگان، حضور اجتماعی در مناسبت‌هایی خاص مانند نماز عید فطر و اعتکاف و اعمالی مانند حج و جهاد، تشییع جنازه و... همه نشان از حضور پررنگ توجه به اجتماع و زندگی اجتماعی در دین اسلام برای زندگی انسان موحد دارد. در عین حال، آیات قرآن و آموزه‌های پیامبر اسلام بیان می‌دارد که این گروه‌های متعدد اجتماعی نباید وسیله‌ای برای شکل‌گیری طبقات در جامعه اسلامی شود. همه برادرند و از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند و هیچ برتری نسبت به یکدیگر ندارند و شعوب و قبائل برای شناخته‌شدن آن‌ها نسبت به یکدیگر است نه برای برتری‌جویی و فخرفروشی.^{۲۲}

تعریف این اصل برای عملکرد محلّه اسلامی، صفاتی همچون «ایجاد نظام اجتماعی هم‌بسته در محلّه برای تصمیم‌گیری‌های جمعی و مدیریت محلّه» و «تقویت اجتماعات محلی و برگزاری آیین‌های مذهبی-فرهنگی-تفریحی و...» را به‌دست خواهد داد: زندگی انسان در چارچوب نهادهای اجتماعی، قواعد و آداب اجتماعی قرار دارد. او در متن یک ساختار اجتماعی یا شکل خاص و معین روابط اجتماعی متولد می‌شود و رشد می‌کند. از دیدگاه مردم‌شناسان، سازمان و قشربندی اجتماعی علاوه بر خویشاوندی، به مجاورت گروه‌های انسانی نیز مربوط است. «محیط مسکونی مشترک» گروه‌های محلی و خانوادگی را به مقدار زیاد با یکدیگر متحد می‌سازد. سرزمین مشترک یکی از چهار مبنای بزرگ عضویت گروهی^{۲۳} است. «همسایگی» در مفهوم جامعه‌شناختی از نمونه‌های مدرن گروه‌های سرزمینی به شمار می‌آید (محمودیان، ۱۳۸۰: ۱۲۳؛ واخ، ۸۰، ۷۶؛ نیک‌گهر، ۱۳۹۲: ۸۵).

«محلّه» اولین مکانی است که فرد در آنجا با مفهوم «اجتماع» برخورد دارد. روابط و تعاملات اجتماعی و انواع مفاهیم دیگر مرتبط با حضور اجتماعی افراد در «محلّه»، در آن شکل می‌گیرد. اهمیت دادن به «مشارکت شهروندی» و ایجاد

۲۰. «در نماز جماعت حاضرند، در پرداخت زکاة شتابانند، مستمندان را اطعام کنند، بر سر یتیم دست نوازش کشند، لباس‌های خود را پاکیزه دارند، بند جامه را بکمر بندند، اگر خبر دهند دروغ نگویند، اگر وعده کنند خلف نمایند، چون امانت گیرند خیانت نکنند، چون سخن گویند راست گویند، در شب عابدند، در روز شیر دلبرند، روزها روزه دارند، شب‌ها (برای عبادت) بپا خیزند، همسایه را نیازارند، همسایه از آن‌ها آزار نبیند (اگر چه بوسیله بچه و خادم آن‌ها باشد)، بر زمین با آرامش گام بردارند، به خانه‌های بیوه زنان (به منظور کمک و مساعدت) رهسپارند، تشییع جنازه کنند، خدا ما و شما را از جمله متقین قرار دهد (کنایه از اینکه صفت بیستم آن‌ها تقوی است)» (اصول کافی: ۵/۳۲۷).

۲۱. «سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی به آن خیانت (کینه‌توزی، بدخواهی) نکند: خالص نمودن عمل برای خدا، خیرخواهی پیشوایان مسلمین و همراه بودن با جماعت مسلمین (و جدا نشدن و اختلاف و پراکندگی ایجاد نکردن)»... (اصول کافی ۱/۲۵۵/۲).

۲۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است (حجرات: ۱۳).

۲۳. چهار مبنای بزرگ عضویت گروهی عبارت‌اند از: نیاکان، سرزمین، مشخصات جسمانی و منافع مشترک.

«نقش و پایگاه اجتماعی» برای افراد، از طریق اهمیت بخشی به محل سکونت فرد که در کوچک‌ترین مقیاس، «محل» مسکونی است میسر می‌شود. علاوه بر اهمیت «مکان»، به عنوان بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی، «خاصیت روابط اجتماعی» چنان است که در نتیجه ایجاد تعاملات مثبت در میان افراد، «برآیند نیروها و افکار جمع» به نتایج پرباری می‌انجامد. این موضوع از نظر تعالیم دینی به مفاهیم بسیاری همچون «وحدت»، «مشورت»^{۲۴}، «جماعت»^{۲۵} و... ارتباط پیدا می‌کند؛ بنابراین ایجاد زمینه، برای «شکل‌گیری یک نظام اجتماعی همبسته» در «محل» جهت تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت آن، می‌تواند در زمره صفات و تجلیات محله اسلامی قرار گیرد.

همچنین مطالعات مختلفی به نقش و اهمیت اجتماعات محلی و برگزاری آیین‌های دینی در ایجاد وحدت میان انسان‌های یک جامعه اشاره کرده‌اند.^{۲۶} در فضای اندیشه اسلامی و شهر اسلامی، آیین‌ها و مراسم مذهبی، بخش مهمی از زندگی مردم را تشکیل می‌دهند. این آیین‌ها نه تنها پیوندهای اعتقادی مردم با اهل بیت و آموزه‌های ایشان را محکم‌تر می‌نماید، بلکه زمینه‌ای برای شکل‌گیری اثرات مثبت اجتماعی، از جمله دیدوبازدیدها، تعاملات اجتماعی، خدمت به هم‌نوعان، همکاری‌های جمعی و گروهی در یک فضای معنوی و... فراهم می‌نماید. در این میان، «محل» به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء «شهر»، می‌تواند نقش بسیار مهمی در این زمینه ایفا نماید. این اجتماعات همچنین به القاء شورونشاط جمعی و ایجاد زمینه برای رشد معنوی اهل «محل» کمک می‌نماید؛ چراکه عالم هستی، عالم روابط است و چنانچه زمینه و فرصت برقراری رابطه با منابع اصلی فیض الهی برای انسان برقرار گردد، می‌تواند با ارتقاء نفس انسان‌ها، در جهت کمال، آثار مثبتی در زندگی جمعی و فردی به وجود آورد.

۳. ۴ اصل «محبت‌محوری»

یکی از زیباترین تعاریف از دین، در کلام امام محمدباقر (ع) تجلی یافته است: «دین همان محبت است و محبت همان دین»^{۲۷}. محبت به خداوند و آفریده‌های او، محبت به هم‌نوع، محبت به طبیعت، همان دین خداست. بنابراین هر عملی که در دید ناظر بی‌محبتی تعریف شود جزء دایره تعالیم و دستورات دین نیست بلکه اثری از عملکرد نفس و شیطان خواهد بود. بغض، کینه، حسد و همه اعمال ناشایست در پس پرده شکل‌گیری خویش نوعی فقدان محبت را نشان می‌دهند که ممکن است هر کدام آثار سوء متعددی را برای فرد و جامعه به همراه آورد.

۲۴. «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»: آنان که... کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است (شوری: ۳۸).

۲۵. «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»: دست خدا بر سر جماعت است (نهج البلاغه، ص. خطبه ۱۲۷).

۲۶. به عنوان نمونه واخ، بر نفوذ مناسک دینی در وحدت بخشیدن به پیروان، در مکاتب محلی تاپو-تاپوتی در جامعه ایسلند، هلیوپولیس در مصر، سری‌رانگام یا داک‌شینش‌وارا در هند، و مونت‌هیئی در ژاپن، تأکید می‌کند. به نظر وی این مناسک دینی اجتماعی در گسترش آیین‌های دینی آن دیار و توسعه حیات جوامع دینی مردم به مقیاس وسیع اثرگذار بوده‌اند. جالب‌توجه آن است که نتایج پژوهش نشان می‌دهد هر نوع فعالیتی که در چارچوب فعالیت‌های مذهبی و آیینی آن جامعه نباشد به نوعی امکان تفکیک و جدایی افراد را در خود دارد: «درحالی‌که فعالیت روشنفکرانه ممکن است سرانجام به تفکیک و حتی جدایی گروه‌ها یا افراد درون اجتماع بزرگ‌تر منجر شود، پرستش از طرف دیگر گروه دینی را شکل داده، متحد می‌کند و رشد می‌بخشد.

مراسم دینی و آیین‌های ساده وحدت‌بخش گروه‌ها می‌باشند» (واخ، ۱۳۸۰: ۳۸-۴۰).

۲۷. «الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ، وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ» (المحاسن: ۹۳۱/۴۰۹/۱).

چنانچه ذکر گردید در جهان‌بینی توحیدی بر جماعت و زندگی اجتماعی تأکید و توجه شده است. مسلم است که رشته این زندگی اجتماعی زمانی به‌هم‌پیوسته و محکم خواهد بود که در بین افراد آن جامعه نیکی‌ها و خوبی‌ها که در نتیجه محبت به‌وجود می‌آید، ساری و جاری باشد. از صفاتی که می‌توان برای محلّه اسلامی در نتیجه اصل «محبت‌محوری» استخراج نمود، «تقویت روابط دوستانه و برادرانه براساس تعالیم دینی» است: یکی از موارد متعدد در متون دینی که به اهمیت روابط دوستانه و برادرانه در میان مؤمنین اشاره دارد حدیثی از امام علی‌بن‌الحسین است که اشاره می‌فرماید در روز قیامت دوستی کنان برای خدا را ندا می‌دهند که بدون حساب وارد بهشت شوید^{۲۸}.

واضح است که این تقویت روابط در صورتی امکان تحقق پیدا می‌کند که زمینه آن قبلاً در فضاها و عناصر شهری ایجاد شده باشد. به‌عنوان مثال مسجد از صدر اسلام، محلی برای تعاملات اجتماعی و سخن گفتن برای حل مشکلات مردم محلّه و خبردار شدن آن‌ها از حال همدیگر و حضور مردم در کنار هم در زمان شادی و غم (عروسی و عزا و...) بوده است. همچنین حسینیه و تکیه از مهم‌ترین مراکز برای تقویت پیوند محبت و دوستی بین افراد یک محلّه بوده است. حسینیه‌ها امروزه نیز دارای چنین نقشی هستند؛ چراکه در حسینیه و هیئت، افراد بدون هیچ چشم‌داشتی سعی در ارائه خدمات به دیگران دارند. همچنین بدون اینکه تذکری دریافت نمایند یا مدیریتی مانند آنچه در محل کار و... اتفاق می‌افتد وجود داشته باشد، هرکسی سعی می‌کند کار خود را به بهترین وجه انجام دهد. در عین حال محبت و ارادت به اهل بیت باعث می‌شود که افراد به یکدیگر علاقه و محبت پیدا کنند؛ چراکه رشته مشترکی از اعتقادات در میان آن‌ها وجود دارد که آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند.

حاکم شدن چنین رویکردی بر تجمعات انسانی در فضاهای شهری، و جریان یافتن حس حضور در محضر خداوند و اهل بیت در شئون زندگی مردم، موفقیت‌های بسیار چشمگیری به‌دست خواهد داد. امور شهر به بهترین وجه توسط تصمیم‌گیران، مدیران و اهل شهر انجام خواهد شد و همدلی و محبت بی‌مزد و منت در میان افراد رواج خواهد یافت. برقراری «محبت» در «محلّه اسلامی» از طرق مختلفی قابل حصول خواهد بود؛ به‌عنوان مثال تأمین فضاهایی که پاسخگوی نیازهای افراد برای همفکری و همراهی باشد، یا ارائه آموزش‌هایی که افراد را از عمق تأثیر و جنبه‌های مثبت روابط همدلانه آگاه نماید. این آموزش‌ها می‌تواند از طریق منبر مساجد، صداوسیما، فضای مدارس یا برنامه‌های عمومی و تبلیغاتی که در سطح شهر اجرا می‌گردد و... تحقق یابد.

۲۸ «...عَلَىٰ بَنِ الْحُسَيْنِ A قَالَ إِذَا جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ قَامَ مَنَادٍ فَنَادَىٰ يُسْمِعُ النَّاسَ فَيَقُولُ أَيُّنَ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُومُ عُنُقٌ مِّنَ النَّاسِ فَيَقَالُ لَهُمْ اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (اصول کافی: ۸/۱۹۱/۳).

۳۵. اصل «خدمت‌گرایی»

اصل خدمت‌گرایی به‌نوعی می‌تواند ناشی از اصل «محبت‌محوری» و در امتداد آن در نظر گرفته شود. رسول خدا فرمود: «هر مسلمانی که جماعتی از مسلمین را خدمتگزاری کند، خدا به شماره آن‌ها در بهشت به او خدمتگزار دهد»^{۲۹}. همچنین فرمود: «مردم عائله خدا هستند؛ پس محبوب‌ترین کس نزد خدا، آن است که به عائله او سود رساند و خانواده‌ای را خوشحال کند»^{۳۰}.

توجه به این اصل به صفاتی همچون «تقویت روحیه خدمت به هم‌نوع و محبت به دیگران» برای محله اسلامی منجر می‌گردد.

۳۶. اصل «همسایه‌گرایی»

در شهرهای اسلامی قدیم، پیوندهای عمیق اجتماعی و روابط همسایگی محکم شکل گرفته بر مبنای تعالیم اسلامی، منجر به ارتقا هویت اجتماعی در شهرها می‌گردید. اثرات مثبت ناشی از شکل‌گیری این هویت اجتماعی-فرهنگی قوی و غنی، امروزه نیز می‌تواند محله‌های شهرها را در جهت رشد و کمال سوق دهد.

متون اسلامی در حوزه همسایه‌گرایی دو بحث مهم را مدنظر قرار می‌دهد. بحث اول اهمیت توجه به انتخاب همسایه قبل از سکونت در یک محل است. «امام علی (ع) فرمود: مردی خدمت پیامبر خدا آمد و عرض کرد: می‌خواهم خانه‌ای بخرم، دستور می‌فرمایید کجا بخرم؟ ... پیامبر خدا به او فرمود: اول همسایه، سپس خانه، اول هم‌سفر، سپس سفر»^{۳۱}. همچنین از امام علی (ع) است که فرمود: پیش از خریدن خانه بین همسایه‌ها کیست‌اند»^{۳۲}.

بحث دوم درباره حقوق متعدد همسایه است. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «خدا را پرستش کنید و نسبت به او شرک نوزید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و افراد مسکین و همسایگان دور و نزدیک و دوست و رهگذر و غلام و کنیز نیکی کنید، که خداوند انسان خودخواه و فخرفروش را دوست ندارد»^{۳۳}.

پیامبر خدا (ص) در حدیثی، حقوق همسایه را شامل کمک به همسایه، قرض دادن به او، برطرف کردن نیاز همسایه نیازمند، دل‌داری در مصیبت و تبریک در خوبی‌ها، عیادت در بیماری، شرکت در تشییع جنازه او، بلندتر نساختن خانه

۲۹. «...عَنْ أَبِي الْمُعْتَمِرِ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَدَمَ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خَدَامًا فِي الْجَنَّةِ» (اصول کافی: ۱/۲۹۶/۳).

۳۰. «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ، وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا» (الکافی: ۶/۱۶۴/۲).

۳۱. «الإمام علی (ع): جاء رجل إلى رسول الله ﷺ فقال: يا رسول الله، إني أردت شراء دار، أين تأمرني أشتري في جهينة أم في مزينة أم في ثقيف أم في قريش؟ فقال له رسول الله ﷺ: الجوار ثم الدار، والرفيق ثم السفر» (الجعفریات: ۱۶۴).

۳۲. «سَلْ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ» (غرر الحکم: ۵۵۹۸).

۳۳. «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَأَبْحَثُ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخُورًا (نساء: ۳۶).

خود نسبت به همسایه و محروم‌نکردن وی از جریان هوا، تعارف فرستادن میوه و غذا برای همسایه دانسته‌اند^{۳۴}. اوج لطافت در ارتباط با دیگر انسان‌ها در این بیان حضرت مشاهده می‌شود تا این حد که میوه یا غذایی که مصرف می‌شود کودک همسایه را غمگین نکند برخلاف آنچه امروزه در زندگی افراد دیده می‌شود که هرچه بیشتر در تلاش‌اند که از آنچه در زندگی خود دارند در فضای حقیقی و مجازی به دیگران فخرفروشی کنند. همچنین مزاحمت خانه‌ها برای یکدیگر در شهرهای امروز امری عادی تلقی شده به‌نحوی که استفاده از جریان هوا و نور، دید به آسمان و حریمیت خانه‌ها از حقوقی است که به دلیل سوداگری‌ها کاملاً زیر پا گذاشته می‌شود. همچنین امام زین‌العابدین (ع) می‌فرماید: «اما حق همسایه‌ات این است که در غیاب او آبرویش را حفظ کنی و در حضورش او را احترام نهی. اگر به او ستمی شد یاری‌اش رسانی، دنبال عیب‌هایش نباشی، اگر بدی از او دیدی ببوشانی، اگر بدانی که پند و اندرز تو را می‌پذیرد او را در نهان نصیحت کنی، در سختی‌ها رهایش نکنی، از لغزشش درگذری، خطایش را ببخشی و با او بزرگووارانه معاشرت کنی»^{۳۵}. توجه به اصل همسایه‌گرایی محلّه اسلامی را به صفاتی چون «ایجاد و حفظ روابط همسایگی محکم» رهنمون می‌گردد.

۴. «فرم» محلّه اسلامی

بخش سوم در تبیین مفهوم «محلّه اسلامی» به‌مثابه مکان هویت‌مند، «فرم» است. هر موضوعی که به‌نوعی به مباحث کالبدی مربوط می‌شود می‌تواند در این بخش قرار گیرد. بعضی از این موارد ممکن است به‌طور مستقیم در آیات و روایات اشاره نشده باشند اما می‌توان از مباحث مطرح‌شده دیگر به‌درستی آن‌ها از دیدگاه متون اسلامی اذعان نمود. اصولی همچون «زمینه‌گرایی»، «آبادانی» و «طهارت» را می‌توان در این بخش مورد مطالعه قرار داد.

۴.۱ اصل «زمینه‌گرایی»

از دیدگاه اسلام هر آنچه در جهان هستی وجود دارد دارای حیات و شعور است و احترام به موجودات ذی‌شعور به‌شدت مورد توصیه دین بوده است. همچنین بقای موجودات وابسته به ارتباط آن‌ها با موجودات دیگر معرفی گردیده است. پیامبر خدا (ص): «این اشیائی که می‌بینیم هر یک به دیگری نیازمند است؛ زیرا قوام و بقای هر یک بسته به دیگری است. همچنان که اجزای یک ساختمان، محتاج و وابسته به یکدیگرند و گرنه هماهنگ و مستحکم نمی‌ماند. همچنین است دیگر چیزهایی که می‌بینیم»^{۳۶}. از سوی دیگر بر بازگشت اثر هر نوع رفتار انسان به خود او نیز تأکید شده است.

۳۴. «رسول الله (فی حقوق الجار): إن استغاثك أعتته، و إن استقرضك أقرضته، و إن افتقر عدت عليه، و إن أصابته مصيبة عزيتة، و إن أصابه خير هنأته، و إن مرض عدته، و إن مات أتبعته جنازته، و لا تستطل عليه بالبناء فتحجب عنه الريح إلا بإذنه، و إذا اشترت فأكهه فأهد له، فإن لم تفعل فأدخلها سراً، و لا تخرج بها ولدك تعيط بها ولده، و لا تؤذ به بريح قدرك إلا أن تعرف له منها» (مسکن الفؤاد: ۱۰۵).

۳۵. «الإمام زین‌العابدین: أما حق جارک فحفظه غائباً، و إكرامه شاهداً، و نصرته إذا كان مظلوماً، و لا تتبع له عورة، فإن علمت عليه سوءاً سترته عليه، و إن علمت أنه يقبل نصيحتك نصحتة فيما بينك و بينه، و لا تسلّمه عند شديده، و ثقيل عثرته، و تغفر ذنبه، و تعاشره معاشره كريمة» (الخصال: ۱۱۵۶۹).

۳۶. «رسول الله: فهذا الذي نشاهده من الأشياء بعضها إلى بعض معتقر، لأنه لا قوام للبعض إلا بما يتصل به، كما ترى البناء محتاجاً بعض أجزاءه إلى بعض، و إلا لم يتسق و لم يستحکم، و كذلك سائر ما ترى» (بحار الأنوار: ۱/۲۶۲/۹).

بر این مبنا تعامل انسان با همه موجودات جهان هستی به احسن وجه، مطلبی است که دین، در پی آموختن آن به انسان‌هاست. تعامل با محیط طبیعی و مصنوع نیز زیرمجموعه این تعاملات خواهد بود.

اصل زمینه‌گرایی می‌تواند صفاتی مانند «طراحی با توجه به زمینه اقلیمی، کالبدی و...» و «نمود عینی کاربری‌های خاص» را برای فرم محله اسلامی به ارمغان آورد. مورد اول که در منابع شهرسازی به تفصیل توضیح داده شده در ذیل مختصراً به شرح مورد دوم اشاره می‌گردد. گرچه به‌طور معمول کاربری‌های خاص نمود مشخص و متفاوتی در شهر دارند اما در محله و شهر اسلامی این موضوع بسیار حائز اهمیت است. کاربری‌هایی همچون مساجد و کاربری‌های فرهنگی در کنار بازار و مراکز فعالیت اقتصادی و آموزشی نقش مهمی در تعریف محله به‌عنوان یک محله اسلامی دارند. این نقش علاوه بر موضوع کالبدی به موضوعات کارکردی نیز مربوط است. مسجد در محله اسلامی به‌عنوان محل ذکر و یاد خداوند هم در کارکرد خود و هم در نمود عینی و تصویر ذهنی که برای ساکنین ایجاد می‌کند یادآور خداست. البته طبق تعالیم دینی همه مکان‌ها و همه زمان‌ها باید مکان و زمان یاد خدا باشد اما این بهانه‌ها کمک می‌کند تا انسان‌ها در گیرودار زندگی مادی غرق نشوند و هزار چندی به هدف اصلی از حیات خویش متوجه گردند. در عین حال شکل کالبدی که از وجود این عناصر فعالیتی مشخص در محله ایجاد می‌گردد تعریف و بیان خاصی از محله به مخاطبین خواهد داد که کیفیت‌های مختلف مدنظر طراحی شهری را می‌توان ذیل آن تعریف نمود. در مراحل بعدی، توجه به جزئیات و نوع طراحی‌های منتخب برای کالبد این عناصر خاص نیز در جای خود حائز اهمیت و توجه است.

۲. ۴. اصل «آبادانی»

بر مبنای متون اسلامی آباد کردن زمین وظیفه انسان‌هاست و این آبادی محیط مصنوع و طبیعی را شامل می‌شود: «اوست که شما را از زمین آفرید و عمران و آبادانی آن را از شما خواست»^{۳۷}، «خداوند سبحان، ما را آگاه کرد که مردم را به آباد کردن فرمان داده است»^{۳۸} و اجر و ثواب برای آن در نظر گرفته شده است: «بهترین کارها، کشتی است که می‌کاری و نیکوکار و بدکار از آن می‌خورند. نیکوکار می‌خورد و برایت از خدا آمرزش می‌طلبد، و بدکار می‌خورد و آنچه خورده، او را لعن و نفرین می‌کند، و چرندگان و پرندگان نیز از آن بهره‌مند می‌شوند»^{۳۹}.

آبادانی در سطح جهانی، از ویژگی‌های عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در سایه حکومت آن حضرت پدید می‌آید. ثروت‌ها و امکانات، صرف آبادی زمین و شهرها و روستاها می‌شود و این عمران در همه دنیا

۳۷. «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود: ۶۱).

۳۸. «امام علی (ع): فَأَعْلَمْنَا سُبْحَانَهُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْعِمَارَةِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا لِمَعَايِشِهِمْ بِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الْحَبِّ وَ الثَّمَرَاتِ وَ مَا شَاكَلَ ذَلِكَ» (وسائل الشیعه: ۱۳/ ۱۰/ ۱۹۵).

۳۹. «ابو جعفر (ع): كَانَ أَبِي يَقُولُ: خَيْرَ الْأَعْمَالِ الْحَرْثُ تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ، وَ أَمَّا الْبَرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ اسْتَغْفَرَ لَكَ، وَ أَمَّا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعَنَهُ، وَ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبِهَائِمُ وَ الطَّيْرُ» (کافی: ۵/ ۲۶۰/ ۵).

که قلمرو حکومت ایشان است، مشهود خواهد بود. امام پنجم (ع) فرمود: «قائم ما به وسیلهٔ بیم، یاری شود و با پیروزی تأیید گردد. حکومت او مشرق و مغرب را فراگیرد. پس در تمامی روی زمین خرابی باقی نمی‌ماند مگر آنکه آباد شود»^{۴۰}. علاوه بر توصیه به تلاش برای ایجاد آبادانی ظاهری، رعایت برخی نکات نیز در آبادانی مؤثر دانسته شده است. امام صادق (ع) فرمود: «نیکوکاری و حسن خلق خانه‌ها را آباد کند و بر عمرها بیفزاید»^{۴۱}. نیکوکاری در امتداد خود به خدمت و محبت و ایجاد همبستگی اجتماعی قوی‌تر منجر خواهد شد و بدین ترتیب آبادانی را در پی خواهد داشت. چنانچه ملاحظه می‌شود در منابع اسلامی به‌عنوان ویژگی یک جامعه آرمانی به اصل آبادانی اشاره شده است. صفاتی همچون «زیبایی و کیفیت مناسب محیط»، «تعادل بین محیط طبیعی و مصنوع»، «وجود فضاهای گذران اوقات فراغت و مراکز فرهنگی مناسب (مسجد و کتابخانه) و...» در نتیجه این اصل در محلّه اسلامی مورد انتظار خواهد بود.

۳. ۴. اصل پاکیزگی و طهارت (ظاهری و باطنی)

گسترهٔ وسیعی از آموزه‌های دین اسلام به بحث طهارت و پاکیزگی اختصاص دارد. طهارت باطنی اصل و طهارت ظاهری فرع، اما مبنای طهارت باطنی است و هر دو در کنار هم زمینه نیل انسان به کمال هستند. به‌عنوان نمونه در آیات قرآن کریم، مسجد مکانی برای تطهیر روح معرفی شده و خداوند را دوستدار پاکان معرفی می‌کند^{۴۲}. همچنین پس از ارائه دستورهای لازم برای رعایت طهارت می‌فرماید: خداوند نمی‌خواهد دشواری برای شما ایجاد کند، بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه سازد^{۴۳}. در زمینهٔ طهارت باطنی خدای متعال در سوره شمس پس از چندین سوگند عظیم، می‌فرماید: «به تحقیق رستگار شد آن کس که این نفس را پاکیزه نمود و جان خود را پاک ساخت و بی‌بهره گشت آنکه آن را آلوده نمود». این همه تأکید گویای این حقیقت است که طهارت قلب و نفس به مراتب از طهارت جسم و کالبد مهم‌تر است^{۴۴}. از آثار طهارت که در روایات آمده است می‌توان به طول عمر^{۴۵}، کفاره گناهان، اجر شهدا، نور قیامت^{۴۶}، و وسعت رزق و روزی مادی و معنوی اشاره کرد.

اصل پاکیزگی و طهارت، ذیل فرم محلّه اسلامی صفاتی همچون «توجه به پاکیزگی و طهارت ظاهری و باطنی (کالبد و رفتار)» و «بهسازی فضاهای مسئله‌دار (انواع مسئله‌ها...)» را به‌دست خواهد داد. حذف تمام آلودگی‌ها، ناپاکی‌ها و

۴۰. «قال الباقر (ع): أَلْفَانِم مِمَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ... يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ... فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عَمَرَ» (منهاج البراعة: ۳۵۳/۸).

۴۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ الْبِرُّ وَحَسَنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَبْدَأَانِ فِي الْأَعْمَارِ» (اصول کافی: ۸/۱۵۷/۳).

۴۲. «فِيهِ رِجَالٌ يَجِبُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۸).

۴۳. «مَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ» (مائده: ۶).

۴۴. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» بی‌تردید کسی که نفس را از آلودگی پاک کرد و رشد داد، رستگار شد و کسی که آن را ابه آلودگی‌ها و امور بازدارنده از رشد بیالود از رحمت حق نومید شد (شمس: ۹-۱۰).

۴۵. رسول خدا(ص): ای انس! بسیار طاهر و پاکیزه باش خداوند عمرت را طولانی می‌کند (وسائل الشیعه: ۱/ ۲۶۹).

۴۶. رسول اکرم (ص): «يُحْشَرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ الْأُمَمِ غُرًّا مُجْتَلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ» خداوند امت مرا در قیامت در حالی محشور می‌کند که بین امت‌های دیگر همچون نور می‌درخشند و این از آثار وضو (و طهارت و پاکیزگی) آن‌هاست (دعائم الاسلام: ۱/ ۱۰۰).

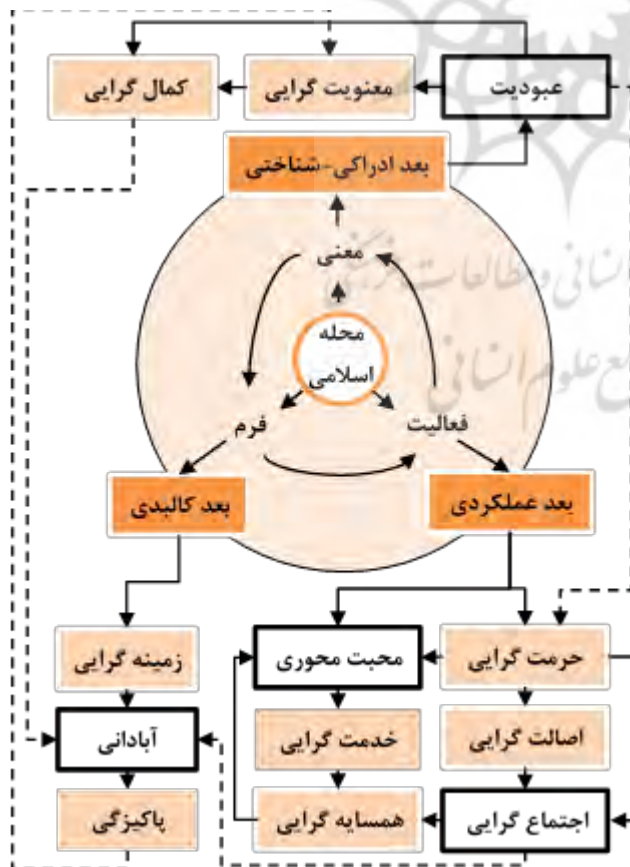
نازیبایی‌ها از چهره کالبدی محله و تلاش برای ایجاد فضاهایی که زمینه‌ساز رفتارها و فعالیت‌هایی در جهت طهارت روح استفاده‌کنندگان از فضاها باشند و درعین حال پاکیزگی ظاهری را نیز به تصویر بکشند، از جمله نکاتی است که در این زمینه می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این دو پرسش شکل گرفته است که: اصل «هویت» بر مبنای «جهان‌بینی توحیدی»، چگونه تعریف می‌شود؟ و جایگاه «هویت اسلامی»، در تعریف مفهوم «محله اسلامی» چیست؟

انسان، خلیفه خداوند در زمین و مرکز ثقل عالم خلقت است. او از طریق اعمال عقاید، احکام و اخلاق وارده در جهان‌بینی توحیدی می‌تواند بر فرهنگ جامعه خویش تأثیرگذار باشد. جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی زمینه‌ساز شکل‌گیری مکان یا به عبارت دیگر شهر و محله اسلامی هستند که دارای هویتی منحصر به فرد است. بدین ترتیب، محله اسلامی از جهان‌بینی و فرهنگ، هویت می‌یابد و بالعکس، هویتی که از مسیر جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی اعتبار گرفته، می‌تواند محله را تحت تأثیر قرار دهد.

در بخش «مفهوم مکان و ارتباط آن با مفهوم هویت» اشاره شد که مدل مفهومی مکان که در نظریات اغلب اندیشمندان به‌طور مشترک دیده می‌شود، دارای سه بعد «فرم، فعالیت و معنی» است که منجر به سه مؤلفه «کالبدی، عملکردی و ادراکی-شناختی» خواهد شد. اصول «محله اسلامی» مبتنی بر مفهوم «هویت»، نیز در سه بعد «فرم، عملکرد و معنا» قابل تدوین هستند.



شکل ۴: روابط کلی مفاهیم مرتبط با محله اسلامی و جایگاه اصل «هویت»

این اصول و تجلیات از تطبیق مباحث وارده در متون دینی (آیات قرآن کریم و روایات اهل‌بیت، با واژگان و منابع دانش شهرسازی، از طریق تحلیل و استنتاج عقلی، استخراج گردیده و در قسمت یافته‌های پژوهش در مورد آن‌ها توضیحاتی ارائه گردیده است.

می‌توان روابط میان مفاهیم زمینه‌ساز شکل‌گیری محله اسلامی، جایگاه اصل «هویت» و نحوه تأثیرگذاری آن در استنتاج اصول و

صفات محلّه اسلامی را به صورت (شکل ۴) تعریف کرد.

از آنجایی که در جهان بینی توحیدی، اصل توحید، آغاز و انجام اصول و مبانی اعتقادی است، در اصول محلّه اسلامی نیز آغازکننده و بالاترین سطح را اصول «عبودیت و معنویت‌گرایی و کمال‌گرایی» به خود اختصاص می‌دهد (سطح معنا).

در سطح عملکرد برای محلّه، اصول «حرمت‌گرایی، اصالت‌گرایی و اجتماع‌گرایی» (که از سطح معنا نتیجه می‌شوند) و در مرحله بعد، اصول «محبت‌محوری، خدمت‌گرایی و همسایه‌گرایی» قرار گرفته‌اند. اصول «زمینه‌گرایی، آبادانی، پاکیزگی و طهارت (ظاهری و باطنی)» سطح فرم را برای محلّه اسلامی شکل می‌دهند. البته این اصول اگرچه در پایین‌ترین سطح نمودار قرار گرفته‌اند، در ارتباط مستقیم با سطوح بالاتر هستند.

این اصول و تجلیات، «فرابعدها» و «فرامفاهیمی» برای انجام مطالعات و ارائه طرح‌های مختلف در مقیاس «محلّه»، برای محلات شهرهای اسلامی خواهند بود. در این نمودار، اصول عبودیت، اجتماع‌گرایی، محبت‌محوری و آبادانی از آنجاکه به نظر می‌رسد نسبت به سایر اصول در درجه اهمیت بیشتری قرار دارند با رنگ متفاوت نشان داده شده‌اند.

روابط موجود میان اصول «محلّه اسلامی» نیز از مواردی است که در نمودار فوق مشخص گردیده است. به عنوان نمونه: اصل کمال‌گرایی از اصول عبودیت و معنویت‌گرایی قابل حصول است و همچنین بر اصل آبادانی مؤثر خواهد بود؛ یا اصل اجتماع‌گرایی از حرمت‌گرایی و اصالت‌گرایی ناشی می‌شود و به اصولی مانند همسایه‌گرایی، محبت‌محوری و آبادانی منجر خواهد شد.

به علاقه‌مندان حوزه پژوهشی «شهر اسلامی» پیشنهاد می‌گردد که هرکدام از اصول و صفات ذکر شده برای محله‌ی اسلامی، زیرمجموعه‌ی مبنای «هویت» را، جهت شناسایی «مفاهیم، ابعاد، مؤلفه‌ها و معیارها»، به عنوان موضوع پژوهش‌های آتی مورد مطالعه و تحقیق قرار داده، نتایج پژوهش حاضر را توسعه دهند. مطالعه منابع و متون دینی و استخراج بنیان‌های نظری برای اندیشه‌ی «شهر اسلامی» از میان آن‌ها، می‌تواند افق‌های جدیدی را پیش روی محققان و اندیشمندان مسلمان بازگشایی نموده، شهرهای سرزمین‌های اسلامی را به دوران اوج و شکوه توجه به آرمان‌های ناب توحیدی برساند. روزگاری که در آن زمین پر از عدل و داد، همه سرزمین‌ها آباد و مردمان شاد باشند، آرمانی است برای مسلمانان که تا حد امکان شباهت محل زندگی خود را به آن بیش‌تر نمایند.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

- ابن عربی، محمد بن علی. (۱۳۸۷). فصوص الحکم. با ترجمه محمد خواجهوی. تهران: مولی.
- امیرالمؤمنین. نهج البلاغه. تدوین توسط سید شریف رضی (۱۳۹۳). با ترجمه محمد دشتی. چاپ دوم. تهران: پیام عدالت.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران). تهران: نشر شهر.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۰). سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین توسط غلامحسین معماریان. تهران: پژوهنده.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲). از شار تا شهر، چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الحرّ العاملی، محمد بن الحسن بن علی بن الحسین. (۱۴۰۲هـ/ق/۱۹۸۲م.). الجواهر السنیّه فی الاحادیث القدسیّه. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۱). شرح دعای سحر (ترجمه فارسی)، چاپ سوم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دهنوی، حسین. (۱۳۸۹). نسیم مهر، پرسش و پاسخ تربیت کودک و نوجوان، چاپ چهاردهم. قم: خادم الرضا علیه السلام.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن، ترجمه: خسرو افضلیان. تهران: حرفه هنرمند.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷). آناتومی جامعه (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی)، چاپ اول. تهران: انتشار.
- شاطریان، محسن، و همکاران. (۱۳۹۴). طبیعت و شهر در تعلیم و فرهنگ اسلامی، چاپ سوم. کاشان: مرسل (دانشگاه کاشان).
- شیروانی، علی. (۱۳۹۰). ترجمه و شرح نه‌ایه‌الحکمه علامه سید محمدحسین طباطبایی، ویرایش دوم. چاپ ششم. قم: دارالفکر.
- طباطبایی، علامه محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیرالمیزان، چاپ پنجم. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عباسی ولدی، محسن. (۱۳۹۶). تا ساحل آرامش، بایدهای زندگی مشترک، قم: آیین فطرت.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ عمید، تدوین توسط عزیزالله علیزاده. تهران: راه رشد.

- فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهر، چاپ چهارم. با ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: آگه.
- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۹۰). اهل کجا هستیم؟ (هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی)، چاپ دوم. تهران: روزنه.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب. (۱۳۶۹). اصول کافی، با ترجمه هاشم رسولی و جواد مصطفوی. تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ نوزدهم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، چاپ چهارم. ترجمه: ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- متفکر، حسین. (۱۳۸۷). مرکب سیر و سلوک انسان در عرفان اسلامی، چاپ اول. بی‌جا: مدحت.
- محمودیان، محمدرفعی. (۱۳۸۰). اخلاق و عدالت، چاپ اول. تهران: طرح نو.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). جهان‌بینی توحیدی (جلد دوم از دوره کتاب‌های مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی)، چاپ هشتم. قم: انتشارات صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین، تدوین: توسط عزیزالله علیزاده، چاپ چهارم. تهران: ادنا کتاب راه نو.
- نسفی، عزیزالدین. (۱۳۷۲). انسان کامل، تدوین توسط ماریژان موله و پیشگفتار توسط هانری کربن، با ترجمه ضیاءالدین دهشیری، چاپ سوم. تهران: طهوری.
- نصر، طاهره (سها). (۱۳۹۵). هویت کالبدی شهر؛ مفاهیم و نظریات (مورد کاوی شهرهای شیراز، اصفهان، یزد و بوشهر)، چاپ اول. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- نصیرپور، محمدعلی. (۱۳۸۴). نقش دولت‌مردان در تغییر فرهنگ سیاسی جامعه، چاپ اول. قم: دار النشر اسلام.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۶). شهر اسلامی از اندیشه تا ظهور، چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). شهر بیداری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). نظریه فضای حیات طیبه: شهر آرمانی اسلام. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۳). هویت شهر، مبانی، مؤلفه‌ها، جلوه‌ها، چاپ اول. تهران: جهاد دانشگاهی.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۶). شهر اسلامی از اندیشه تا ظهور، چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- نیک گهر، عبدالحسین. (۱۳۹۲). مبانی جامعه‌شناسی، چاپ سوم. تهران: توتیا.

واخ، یواخیم (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دین، با ترجمه جمشید آزادگان، چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

هیلن برند، روبرت. (۱۳۸۹). معماری اسلامی، شکل، کارکرد و معنی، ترجمه: باقر آیت‌الله زاده شیرازی، چاپ پنجم. تهران: روزنه.

پایان‌نامه‌ها

نصیرپور، مرضیه الزهرا. (۱۴۰۱). تبیین مبانی و صفات محله ایرانی-اسلامی (رساله دکتری رشته شهرسازی)، به راهنمایی محمد نقی‌زاده و مشاوره زهراسادات سعیده زرآبادی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقالات

ارباب، پارسا و همکاران. (۱۳۹۴). «تبیین معیارهای کلیدی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ تهران)»، هنرهای زیبا، ۲۰(۴)، ۵-۲۰.

تقویان، ناصرالدین علی. (۱۳۹۶). «هویت: میراثی از گذشته یا انتخابی برای آینده؟»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۹(۳)، ۱۱۱-۱۲۳.

جوادی، مهسا و همکاران. (۱۳۹۴). «درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان‌ساخت به‌وسیله مؤلفه‌های مکان، فضا و کالبد، مدیریت شهری، (۴۱)، ۱۳۹-۱۶۰.

حافظنیا، محمدرضا؛ فرجی، محمدرضا. (۱۳۹۵). «بی‌هویتی مکانی و ناکامی جنبش‌های سیاسی، مطالعه موردی: حرکت‌های اعتراضی مردم بحرین پس از تخریب میدان لولو»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۲(۲)، ۱-۲۳.

حمزه‌نژاد، مهدی و همکاران. (۱۳۹۹). «بررسی امکان تفسیر و گونه‌شناسی شهرهای ایرانی-اسلامی براساس نظریه روح مکان شولتز، تعریف روح مکان شهرهای ایرانی-اسلامی و جست‌وجوی آرمان‌شهر ایرانی»، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۵(۱)، ۱-۲۱.

خاکسار، ندا و همکاران. (۱۳۹۹). «بازشناسی عوامل سازنده سلسله‌مراتب نوری در فضای معماری ایرانی-اسلامی»، فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان، ۴(۱۰)، ۲۷۷-۲۸۶.

دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۳). «درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان‌ساخت»، باغ نظر، ۱(۱)، ۷۱-۵۹.

داوری اردکانی، رضا. (۱۳۷۵). ملاحظاتی در باب مدینه اسلامی، آبادی، ۶(۲۲)، ۴-۵.

رثوفی، محمود. (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های هویت دینی»، دین و ارتباطات، ۱۷(۱-۲) پیاپی ۳۷-۳۸، ۹۱-۱۱۲.

- زمانزاده دربان، زمزم. (۱۳۹۶). «سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محلّه» با رویکرد فراتحلیل»، مدیریت شهری، (۴۸)، ۶۵-۶۸.
- صادقی، علیرضا؛ احمدی، فریال. (۱۳۹۳). خوانش مؤلفه‌های مکان در طراحی محیط شهری، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۱۹(۵)، ۵۵۹-۵۷۰.
- علی‌الحسابی، مهران؛ چرب‌گو، نصیبه. (۱۳۹۴). «بازخوانی و تبیین ارتباط معنی و هویت مکان»، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، (۹)، ۱۰۳-۱۱۴.
- علی‌الحسابی، مهران و همکاران. (۱۳۹۶). «ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد)»، باغ نظر، ۱۴(۵۲)، ۲۶-۱۷.
- علی‌الحسابی، مهران و همکاران. (۱۳۹۵). «به‌کارگیری روش تحقیق روایتی در ارزیابی هویت مکان، بررسی موردی: شهر جدید فولادشهر»، نامه معماری و شهرسازی، (۱۶)، ۵۱-۶۸.
- لطف‌آبادی، محسن. (۱۳۹۲). «بازخوانی نظری مفهوم «هویت»»، خردنامه، (۱۰)، ۵۳-۶۵.
- نرج‌آبادی فام، مژگان و همکاران. (۱۴۰۰). «تحلیل معناشناختی سیمای شهر از منظر هویت اسلامی با تأکید بر برخی مجموعه‌های تجاری شهر تبریز»، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۲(۳)، ۱۰۹-۱۳۰.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۲). «تأملاتی در مبادی شهر اسلامی (در متون و تاریخ)»، مجله کتاب ماه هنر، ۱۷۸، ۱۵-۴.

منابع سایت

<https://fa.wikishia.net>

<https://hadith.inoor.ir>

<https://wiki.ahlolbait.com>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی